

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

شهره شهر

پری روئی که دام کاکلش بر شانه میریزد
ز خال کنج لب مردم به راهم دانه میریزد
مرا گرم نگاه مست او می بیند و ساقی
به هر مژگان زدن، پیمانه بر پیمانه میریزد
پس از این می گزینم گوشه دامن صحرا را
که بی تو غم سر غم از فضای خانه میریزد
نصیب آشنایان از لبش جز درد حسرت نیست
چو قند الفتش در کام هر بیگانه میریزد
چنان در شهر، شهرت یافتم در عشقبازیها
که از حرفم جنون میبارد و افسانه میریزد
غم هجران تو ملک دلم را سخت ویران کرد
بلای آسمانی هم درین ویرانه میریزد
جنونم رفته تا جائی که دور از حلقه طفلان
کنون سنگ ملامت بر سرم دیوانه میریزد
خمار من به دور چشم مخمورش نخواهد رفت
«به این تمکین که ساقی باده در پیمانه میریزد»

«اسیر» آهنگ آزادی میسر نیست میبینم

که شوخی دام میماند، نگاری دانه میریزد

(م. نسیم «اسیر» - فرانکفورت، جنوری ۲۰۰۶ع)